جمال شورجه (فیلم‌ساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلم‌ساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلم‌ساز) | شهریار بحرانی (فیلم‌ساز) | داریوش ارجمند (بازیگر) | داود میرباقری (فیلم‌ساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلم‌ساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلم‌ساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلم‌ساز) | شهید آوینی (فیلم‌ساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

واکاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینما توگراف ۲

فیلم‌های سفارشی سینمای ایدئولوژیک

سعید مستغاثی

بخش نود و چهارم

سینمای بر بنیاد تفکرات سکولاریستی و اومانیستی بیش از همیشه، خود را در سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر نشان داد:

۱- در اغلب فیلم‌ها، معمولا حتی در سخت‌ترین لحظات، سخنی از خدا ودین نبود و یا تفکرات دینی ناکارآمد نشان داده می‌شد و خود آدم‌ها از پس دشوارترین امور برمی آمدند.

در فیلم «اسرافیل» (آیدا پناهنده)، جلسه زنانه قرآن، محل تسویه حساب‌های شخصی شد و از همین روی، شخصیت‌های اصلی فیلم از آن جلسه فرار کردند،

در فیلم «دعوت نامه»، تمامی مشکلات ریز و درشت شخصیت‌ها (اعم از دزدی و تصادف و کمارفتن دختر بچه و...) در کنار حرم امام رضا(علیه‌السلام) اتفاق افتاد و گره برخی مشکلات نه با توسل به امام بلکه تنها توسط خود آدم‌ها حل شد

و در برخی آثار، حتی بدیهی‌ترین عناصر دینی که در سبک زندگی ایرانی، جایگاه مهمی دارد، غایب بود. مثلا در فیلم «ایتالیا، ایتالیا» هنگام بدرقه مسافر (که معمولا در شیوه ایرانیان، او را از زیر قرآن عبور داده و پشت سرش آب می‌ریزند) کاسه آب وجود داشت اما خبری از کتاب قرآن نبود! در فیلم «اوه»(خانه) در خانه‌ای که عزاداری و مراسم سوگواری برپا بود حتی یک کتاب قرآن وجود نداشت!

۲-در بسیاری از آثار موجود، سبک زندگی ایرانی/اسلامی به نام سنت‌های قدیمی و تعصبات خشک، عملا زیر علامت سؤال رفته و نوع سبک زندگی غیر اسلامی و غربی به عنوان روش درست در خانواده و ازدواج و عشق و دوستی و... نشان داده شد. فی المثل در فیلم «ایتالیا، ایتالیا»، دوستی زن شوهردار با رفیق دوران مجردی علی‌رغم حساسیت همسر، عادی نمایانده شد و مخالفت همسر، نوعی تعصب خشک به نظر رسید! یا در فیلم «سوفی و دیوانه»، مردی که قصد خودکشی داشت علی‌رغم همسر، با دختری دیگر همراه و همقدم شد و حتی زندگی را با وی قابل تحمل می‌دانست!!

در برخی فیلم‌ها، مانند «انزوا»، «آذر»، «اسرافیل» و... حرف‌هایی از سوی مردم علیه کاراکتر زن فیلم وجود داشت که به دلیل حضور غیر عادی و روابط غیر شرعی زن و عدم رعایت حریم محرم و نامحرم در اجتماع، پخش شده و فیلم‌های یاد شده، آن روابط غیرمعمول و مخالف سبک زندگی ایرانی/ اسلامی را درست و به جا نشان داده و مخالفت‌های مربوطه را ناشی از تعصبات و سنت‌های دست و پاگیر قدیمی معرفی نمود.

۳-در اغلب فیلم‌ها، عشق و عاشقی از طریق روابط بی‌بند و بارانه و غیر شرعی را مثبت و انسانی نمایش دادند و ازدواج به سبک ایرانی/اسلامی یعنی از طریق نظارت والدین و با رعایت حدود شرعی، تحمیلی، منهدم‌کننده خانواده‌ها و نافرجام نمایانده شد. فیلم‌های «سوفی و دیوانه»، «ماجان» (رحمان سیفی آزاد)، «مادری»، «انزوا»، «آذر»، «سارا و آیدا»، «زیر سقف دودی»، «رگ خواب»، «اسرافیل» و... چنین فضائی را القاء کردند.

۴-در اغلب فیلم‌ها، خانواده درست و درمانی رویت نگردید و بیشتر خانواده‌ها، ناقص، بی‌ریشه، مضمحل یا در حال ویرانی نمایش داده شدند:

در فیلم «ایتالیا، ایتالیا»، خانواده کوچک و نوبنیان زوجی، روبه فروپاشی رفت، در فیلم‌های «اوه» (خانه) و«گار»، پدر خانواده یا به قتل رسیده و یا خودکشی کرده بود، در فیلم «فِراری» (علیرضا داوود نژاد) آدم‌ها یا اصلا خانواده نداشتند و یا از خانواده‌گریخته بودند، در فیلم «سوفی و دیوانه»، خانواده یکی از شخصیت‌ها با مرگ فرزند از هم پاشیده و دیگری هم حتی در ذهن نیز خانواده‌ای از هم پاشیده داشت! در فیلم‌های«تابستان داغ»، «آذر»، «انزوا»، «بدون تاریخ بدون امضاء»، «سارا و آیدا» بازهم با خانواده‌هایی روبه‌رو بودیم که زیاده خواهی یا بزه و خلاف، آنها را از هم می‌پاشید، در فیلم‌های «اسرافیل» و «یک روز بخصوص» اساسا با خانواده‌هایی ناقص، روانپریش یا بیمار مواجه شدیم و در فیلم «سقف دودی» بحران‌های نامعلوم، خانواده را به سمت انفجار پیش برد.

قصه‌ها و ماجراها در فیلم‌هایی که اساسا خانواده‌ای وجود نداشت همچون «خوب، بد، جلف» (پیمان قاسم خانی) و «گشت ۲» (سعید سهیلی) قابل تحمل‌تر و موفق‌تر به نظر می‌رسید و تنها پایان‌های خوش و امیدوارکننده را در این‌گونه آثار بدون خانواده شاهد بودیم!

۵-گروهی از فیلم‌ها هم مملو از نشانه‌های فرهنگ غرب مانند نوع غذا و سبک موسیقی و... بود که در عمق روابط و احساسات افراد ریشه دوانده همچون: «ایتالیا، ایتالیا»، «سوفی و دیوانه»،«سارا و آیدا»، «آذر»، «اسرافیل» و...

به این ترتیب به نظر رسید پس از گذشت حدود ۶۰ سال از صدور دستورالعمل و سفارش آمریکایی در سازمان سیا تحت عنوان «آزادی نظامی»، مبنی بر ترویج ایدئولوژی و سبک زندگی غربی در مقابل سبک زندگی متضاد با غرب، فیلم‌هایی که در جشنواره فیلم فجر به نمایش درمی آمدند (خودآگاه یا ناخودآگاه) به آن سفارش و فرمول سازمان سیا عمل کردند!

داوران دوتابعیتی جشنواره فجر و ترس از دادن حق به حق‌دار!

مراسم اختتامیه سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر درحالی برگزار شد که این دوره از جشنواره فجر، نسبت به دوره‌های گذشته با حواشی بیشتری همراه شد. این حاشیه‌ها پس از اعلام اسامی نامزدهای دریافت سیمرغ اوج گرفت. به طوری که تقریبا همه هنرمندانی که در این دوره از جشنواره فجر حضور داشتند و حتی برخی افرادی که نامزد شده بودند نیز نسبت به عملکرد هیئت داوران جشنواره امسال اعتراض داشتند. خصوصا که اغلب اعضای هیئت داوری سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر، دوتابعیتی بودند. با توجه به اینکه این افراد به خارج از کشور رفت و آمد داشته و برخی از آنها در کشورهای غربی زندگی کرده، این مسئله روی عملکرد آنها در کار داوری اثر گذاشت. یعنی برای اینکه مشکلی در سفر به اروپا و آمریکا پیش نیاید، مجبور شدند که فیلم‌هایی با مضامین انقلابی را کمتر در نظر بگیرند.

بهروز افخمی، مجری برنامه «هفت» قبل از برگزاری مراسم اختتامیه سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر در این برنامه گفت:

«می‌ترسم از این داورانی که در خارج زندگی می‌کنند. ۵ نفر از داوران تابعیت دوگانه دارند! خب این چطور می‌تواند به فیلمی علیه منافقین رأی دهد؟ احتمالا چون خارج زندگی یا رفت و آمد دارند از ترس مزاحمت‌های سازمان منافقین جرات نمی‌کنند به این فیلم رأی دهند. در این صورت خطر نادیده گرفتن فیلم «ماجرای نیمروز» جداً احساس می‌شود! از آنجا که مجاهدین خلق در خارج کشور فعال هستند و چند داور از خارج از کشور تابعیت دارند، این مسئله جدی است.»

مسعود فراستی هم در این برنامه تصریح کرد:

«یکی از افرادی که داور است و در خارج هم زندگی می‌کند از من پرسید کدام فیلم خوب است و من گفتم «ماجرای نیمروز» و «ویلایی‌ها». او به من گفت که نمی‌توانند به ماجرای نیمروز جایزه بدهند.»

البته عملکرد هیئت داوری این جشنواره تنها به بی‌عدالتی محدود نشد، بلکه گاف‌های قابل تأملی هم رخ داد. این گاف‌ها در اعلامیه انجمن طراحان، مدیران و دستیاران جلوه‌های ویژه میدانی سینمای ایران فاش شد. اعتراض به داوری جشنواره فجر، به نشست‌های خبری فیلم‌های جشنواره هم کشیده شد. به طوری که عوامل فیلم «فصل نرگس» ساخته نگار آذربایجانی در اعتراض به نحوه انتخاب نامزدهای دریافت سیمرغ و در نظر نگرفتن فیلم آنها در بدیهی‌ترین رشته‌ها، در نشست خبری این فیلم حاضر نشدند. حتی برای اولین بار در طول تاریخ برگزاری جشنواره فیلم فجر، برخی نامزدهای دریافت جایزه نیز در اعتراض به عملکرد هیئت داوری این جشنواره، از نامزدی و دریافت جایزه انصراف دادند.

منیر قیدی کارگردان فیلم سینمایی«ویلایی‌ها» ازجمله این افراد بود که از نامزدی بخش بهترین کارگردانی انصراف داد. پیش از وی مسعود سلامی و محسن نصراللهی نیز از نامزدی در بخش بهترین فیلم‌برداری انصراف داده بودند.

اما از دیگر حاشیه‌های داوری این دوره از جشنواره فجر، شایعه لو رفتن برخی برگزیده‌ها، قبل از برگزاری مراسم اختتامیه بود. صبح روز قبل از برگزاری مراسم پایانی بود که در فضای مجازی، اسامی برندگان سیمرغ‌های بخش بازیگری فاش شد.

اما دیده نشدن کامل فیلم‌ها توسط داوران هم دیگر شایعه مطرح شده در محافل و رسانه‌ها بود. یعنی گفته شد که داوران یا برخی از آن‌ها، فیلم‌های بخش مسابقه جشنواره را به طور کامل ندیدند!!

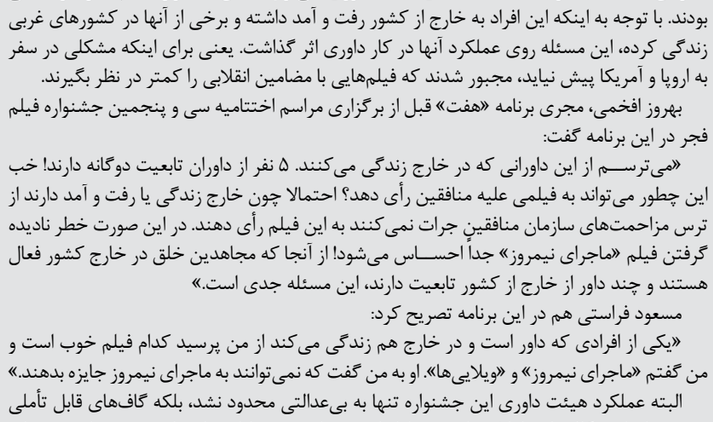

نگاهی به متن و حواشی مهم‌ترین رویداد حوزه فیلم مستند

از حلقه‌های مفقوده تا یک کارت به کارت
در هجدهمین جشنواره سینماحقیقت

آرش فهیم

سینمای مستند ایران طی سال‌های اخیر رشد خیره‌کننده‌ای کرده، طوری که می‌توان گفت این عرصه از سینمای داستانی ما جلوتر و قوی‌تر است. به تبع این پیشرفت، جشنواره سینماحقیقت هم حرکت رو به جلویی داشته و به یک جشنواره استاندارد، حرفه‌ای و تخصصی برای اهالی و علاقه‌مندان فیلم مستند تبدیل شده است. جشنواره‌ای که نسبت به ادوار اولیه‌اش که یک رویداد محفلی و گعده‌ای برای طیف خاصی از مستندسازها بود، فضای بازتری یافته و طیف متنوعی از آثار و مستندسازان در آن ظهور و بروز دارند. به‌طور مثال، یک دهه قبل، این جشنواره پر بود از فیلم‌های سفارتی و جشنواره‌ای که بیش از داخل شد و هم در فرم و هم محتوا، گل کاشت و جوایز مختلف ازجمله جایزه بهترین فیلم از نگاه مخاطبین و جایزه ویژه داوران را دریافت کرد. همچنین فیلم‌های خوب دیگری مثل «خانواده خلج» تشویق‌های بسیاری را دریافت کرد. در دوره هجدهم هم فیلم‌های خوب و نسبتا خوبی دیده شد اما هیچ فیلمی شگفتی ساز نشد و کار خارق العاده‌ای را ندیدیم.

حلقه‌های مفقوده

برخلاف سینمای داستانی که طی دو دهه اخیر تنوع پایینی داشته -هر چند که دو، سه سال گذشته تلاش‌هایی از سوی سازمان سینمایی برای احیای برخی ژانرها و موضوعات شد- در فضای مستند، شاهد تنوع بالایی هستیم. با این حال و به طور خاص بین تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و پویانمایی و سایر نهادهای دولتی و حاکمیتی، شاهد خلأهایی هستیم. جای خالی مستندهای تاریخی و تبیین‌گر در این جشنواره و بین تولیدات مرکز گسترش محسوس بود. این درحالی است که کشور عزیز ما ایران هم دارای تاریخ پربار و بحث برانگیزی است و هم خیلی از مسائل فرهنگی و اجتماعی ناشی از ضعف حافظه تاریخی و به عبارت صریح‌تر، کم‌سوادی تاریخی بین عموم مردم است. بحران هویت بین بخشی از به اصطلاح نسل زد (z) با تقویت آگاهی نسبت به گذشته قابل ترمیم است. ما به آثار مستند در سه ساحت تاریخ معاصر، تاریخ تمدن اسلامی و تاریخ ایران باستان نیازمندیم. خیلی از شبهات و اشتباهات فکری را می‌توان از طریق تولید آثار تاریخی در این سه زمینه برطرف کرد. به طور مثال، پوشش بانوان از زمان هخامنشیان در ایران وجود داشته و در هیچ نقطه‌ای از تاریخ ایران، حتی در دوران باستان (ایران قبل از اسلام) بی‌حجابی و برهنگی بین بانوان سرزمین ما وجود نداشته؛ این موضوع و شبیه به آن از طریق آثار مستند قابل انتقال و روشنگری به نسل‌های جدید و آینده است. تاریخ دوران تمدن اسلامی هم از دیگر حلقه‌های مفقوده در تولیدات ارگان‌های دولتی و حاکمیتی است. دورانی که شاید اگر جایزه نوبل وجود داشت، جوایز همه بخش‌ها از نوبل ادبیات گرفته تا صلح نوبل، یک‌جا به مسلمانان می‌رسید. پرداختن به تاریخ معاصر هم باید در اولویت تولیدات مستند کشور باشد. یکی از میدان‌های شبهه افکنی و جعل واقعیت‌ها کشور، محافل و شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی را هدف قرار داده بودند. یک بخش هم تحت عنوان شهید آوینی برای مستندهای ملی و راهبردی و دفاع مقدسی تعبیه شده بود. اما یکی از خدمات غیرقابل انکار دولت سیزدهم و مدیریت محمد خزاعی در سازمان سینمایی طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ این بود که به جشنواره سینماحقیقت انعطاف بیشتری بخشید و نگاه‌ها و سلایق مختلف را به این جشنواره راه دادند.

در دوره هجدهم این جشنواره هم که از ۱۸ تا ۲۵ آذر در پردیس چارسو و موزه سینما برگزار شد، شاهد همین رویکرد بودیم؛ تنوع و تکثر آثار به اضافه نظم و انضباط، حرف اول را در این جشنواره زد.

اما درباره هجدهمین جشنواره سینماحقیقت و آثار به نمایش درآمده، چند نکته قابل طرح است:

کاهش کیفیت آثار نسبت به دوره قبل

درحالی که در دوره هفدهم سینماحقیقت، شاهد شگفتانه‌ها و آثاری فراتر از سطح معمول بودیم، امسال جای چنین آثاری خالی بود. به‌طور مثال، در دوره قبلی مستند «قوی دل» که از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی است، شگفتی ساز و ازجمله محورهای جنگ شناختی علیه ایران، در این حوزه اتفاق می‌افتد. شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان هم طی یک دهه اخیر در این زمینه فعال بودند اما با اینکه اتفاقا پاشنه آشیل جریان‌های معاند و به‌ویژه سلطنت طلب‌ها در حوزه تاریخ معاصر است و از این طریق رسوا می‌شوند، ما در این زمینه کم کار بوده‌ایم و جشنواره سینماحقیقت هم از این لحاظ رنج می‌برد؛ غیر از چند استثنا مثل مستند «خشت و خون» با موضوع جنایات دولت انگلیس علیه مردم جنوب کشور و مبارزات و مقاومت مردم بوشهر در مقابل این نفوذ و سلطه در این حوزه خوش درخشید.

همچنین جای مستندهای تبیین‌گر درباره موضوعات مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اعتقادی در تولیدات مراکز دولتی و حاکمیتی و جشنواره سینماحقیقت خالی است. خیلی از مردم درباره مسائل اقتصادی دچار پرسش‌های به حقی هستند. بنابراین به مستندهای چالشی، تحلیلی و امیدبخش در این زمینه نیازمندیم تا هم مدیران و سیاستگذاران خط بگیرند و هم اطلاعات مردم نسبت به این حوزه افزایش یابد. باز هم جای سؤال است که چرا با وجودی که جامعه ما با شبهات زیادی از سوی غرب و رسانه‌های بیگانه در زمینه مسائل و حقوق زنان و همچنین حجاب در ایران مواجه است، هیچ فیلم مستندی در این زمینه ساخته نمی‌شود؟

یکی از معدود فیلم‌های هجدهمین جشنواره سینماحقیقت که با رویکرد تبیینی و رفع شبهه ساخته شده «خاک مادر» ساخته محسن اسلام زاده بود که یک روایت جسورانه درباره التهابات سیستان و بلوچستان در سال ۱۴۰۱ است. اما به خاطر اینکه روایت اصلی فیلم مرتبط با یک مأمور خطاکار بود که اتفاقا به اشد مجازات هم رسید، نمایش این فیلم از سوی نهادهای مربوطه کنار گذاشته شد!

یک نکته ظریف!

باید فضای تخصصی و معتبر جشنواره سینماحقیقت که اتفاقا در دوره مدیریت محمد حمیدی مقدم تقویت شد، حفظ شود و جلوی برخی حاشیه‌های زیان بار در آن گرفته شود. به‌طور مثال، به‌جای مانور برخی سیاستمداران که اتفاقا سابقه «ضدِ مستند» هم دارند، باید کارزارهای بیشتری برای مستندسازان متخصص و صاحب سبک ایجاد کرد. محمدجواد ظریف امسال یکی از سیاستمدارهایی بود که به جشنواره سینماحقیقت آمد و خودی نشان داد. این اتفاق در ظاهر هیچ اشکالی ندارد و معاون محترم رئیس‌جمهور نیز مانند هر شهروند دیگری حق حضور در یک جشنواره را دارد. اما مسئله این است که اول، جشنواره‌های تخصصی و حرفه‌ای مثل سینماحقیقت نباید به تبلیغات جناحی و سیاست‌بازانه آلوده شوند و باید به عنوان گعده اهالی مستند باقی بمانند، دوم؛ جناب ظریف، از سران دولتی بود که بیشترین جفا را علیه مستندسازان کرد. فراموش نکرده‌ایم که در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، هر چند روز خبری درباره ممانعت از نمایش یک فیلم مستند با دخالت مدیران دولت وقت می‌شنیدیم یا می‌خواندیم. بنابراین، حضور یکی از رئوس آن دولت، با ماهیت جشنواره سینماحقیقت که برای حمایت از مستندسازان برگزار می‌شود، در تضاد است.

ماجرای یک کارت به کارت

در ادامه بحث لزوم حفظ رویکرد تخصصی و اعتباری در جشنواره سینماحقیقت، باید صحبت‌های یک کارگردان در مراسم اختتامیه این جشنواره را هم نقد کرد. چرا در یک جشنواره که با نام‌های مستند و حقیقت مزین شده، یک فیلمساز باید فضا را تبدیل به گعده‌های قهوه خانه‌ای و شبکه‌های ماهواره‌ای زرد کند؟ قطعا با انتقاد و اعتراض برخاسته از نیت دلسوزانه و مصلحانه مخالفتی نداریم، اما لحن پراشتباه و پریشان‌گویی این مستندساز، مخاطب سخنان وی را به این برداشت می‌رساند که او در همان حال که بودجه و جایزه دولتی گرفته و در یک جشنواره منتسب به حاکمیت مورد تقدیر قرار گرفته، قصد داشته جانب طرف مقابل را هم داشته باشد و ژست اپوزیسیون بگیرد. به هر حال، دوران این‌گونه نمایش‌ها و تظاهرات گذشته و حداقل اهالی رسانه و آگاهان از قضایا نسبت به مبالغی که فیلمسازان دریافت می‌کنند و پول‌های هنگفتی که بابت اجرای پروژه‌ها و تولیدات برایشان کارت به کارت می‌شود آگاه هستند و این‌گونه سخن گفتند و ژست مخالف گرفتن را سخیف و ریاکارانه می‌پندارند.

نیاز به یک گروه مستقل برای اکران مستند

سخن پایانی اینکه با توجه به اعتلا و ارتقاء آثار مستند در ایران، جای یک مرکز یا گروه برای اکران این آثار در کشورمان خالی است. البته خیلی از فیلم‌های مستند در تلویزیون یا سکوهای نمایش خانگی نمایش داده می‌شوند و بعضی از این فیلم‌ها در گروه هنر و تجربه، روی پرده سینما می‌روند، اما حق سینمای مستند است که یک گروه مستقل یا حداقل چند سالن اختصاصی داشته باشد که به طور ثابت در همه روزهای سال، فیلم‌های مستند را با فروش بلیت نمایش دهند.

یک شکست برای مسئولان فرهنگی دولت چهاردهم!

متین صادقی

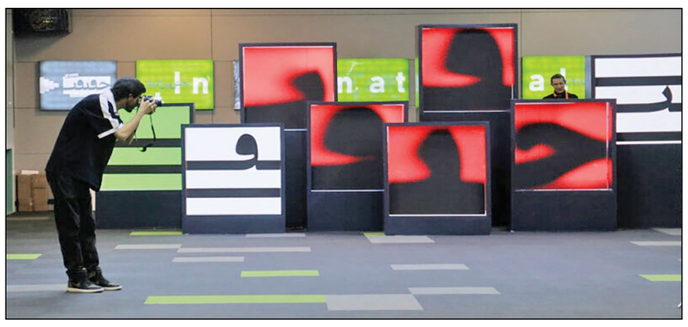

در حالی که رئیس دولت چهاردهم با شعار «وفاق ملی» به میدان آمد و انتظار می‌رفت تا این شعار در تمامی ارکان دولت نهادینه شود و تمامی وزارتخانه‌های زیرمجموعه آن این شعار را بدل به گفتمان کنند، مسئولان فرهنگی دولت چهاردهم در جشنواره سینماحقیقت ثابت کردند که هیچ قرابتی با این گفتمان ندارند و به جای وفاق در پی یارکشی هستند؛ به نحوی که نهادها و ارگان‌های فرهنگی و انقلابی را نادیده گرفتند و جوایز خود را بعضا به افرادی دادند که حتی با برخی قوانین لازم الاجرای کشور نظیر حجاب اسلامی دچار مشکلند!

وفاق ملی؛ اولین عبارتی که شاید بعد از شنیدن نام دولت چهاردهم به ذهن خیلی‌ها خطور کند؛ عبارتی که حداقل در ظاهر، همبستگی ملی را با حضور همه تفکرات و عقاید، فارغ از جناح‌بندی یا گرایش سیاسی به تصویر می‌کشد.

حالا بعد از تقریبا ۵ ماه از آغاز به کار دولت جدید، اولین آزمایش وفاق ملی در حیطه فرهنگ، با شکست بزرگی روبه‌رو شد و دولتی که با چنین شعاری بر سرکار آمد، آن را در حد شعار باقی گذاشت و در جشنواره سینما حقیقت نتوانست آن را به اثبات برساند.

کمی که به آثار برگزیده در این جشنواره نگاه می‌کنیم با نتایج عجیب و غریبی مواجه می‌شویم که ممکن است هرجور فکری را به سرمان بیندازد.

آنهائی که تا چندی پیش دم از برادری و وفاق ملی می‌زدند، حالا با کنار زدن تفکری که شاید به مذاقشان خوش نیاید، به فکر خوشحال کردن اطرافیان خود و خوش خدمتی به آن‌ها هستند.

حوزه هنری، مرکز مستند سوره، مرکز مستند سفیر فیلم، بنیاد حفظ و نشر آثار شهید حاج قاسم سلیمانی، سازمان هنری رسانه‌ای اوج، بنیاد روایت فتح، سازمان صدا و سیما، مرکز هنری رسانه‌ای نهضت و حسینیه هنر موسساتی هستند که در آثارشان بخش قابل توجهی از آثار جشنواره را شامل شده بود که هم مورد توجه مخاطبان قرار گرفت و هم از کیفیت بالایی برخوردار بودند ولی در توزیع جوایز، نه وفاقی مورد توجه گرفت و نه ملتی؛ و آنهائی که تا دیروز در کوس وفاق دم میزدند، حالا شیپور نفاق دست گرفتند و حرف دیگری می‌زنند.

جشنواره سینما حقیقت، اولین آزمون جدی مسئولین فرهنگی دولت چهاردهم برای اثبات وفاقشان بود که با شکست مواجه شد؛ امید بر این است تا چنین فاجعه‌ای دیگر نه به نام جشنواره سینما حقیقت و نه هیچ فستیوال دولتی که از بین شرکت کنندگان برگزیدگانی دارد، برگزار نشود.

«نَقل و نُقل»؛ گعده‌ای برای گفت‌وگوهای فرهنگی

زهرا محبی

برنامه «نَقل و نُقل» با میزبانی حامد عسکری و تمرکز بر موضوعات فرهنگی و هنری، در فصل دوم خود به یکی از برنامه‌های خاص و متفاوت شبکه دو تبدیل شده است.

برنامه «نقل و نقل» به کارگردانی محمدحسین آخوندزاده و تهیه‌کنندگی مشترک علیرضا کاردان‌امین و محمدحسام مدنی از ۵ آبان به فصل دوم رسیده است. این برنامه به میزبانی حامد عسکری و دعوت از افراد شاخص در چهار ساحت فرهنگ، هنر، روایت و اندیشه تلاش دارد با هدف ایجاد فضائی صمیمی و جذاب برای گفت‌وگو در هر شب به بررسی موضوعات متنوع فرهنگی و هنری بپردازد.

علیرضا کاردان‌امین، تهیه‌کننده «نقل و نقل» درباره نحوه انتخاب موضوعات این برنامه گفت: اولین جرقه موضوعات برنامه در اتاق فکر زده می‌شود و بعد از گفت‌وگو و بررسی از بین موضوعات مختلفی که گمان می‌رود پرداخت به آنها در برنامه خوب است انتخاب صورت می‌گیرد.

در این اتاق فکر، اعضا به بررسی و تفکر در مورد موضوعاتی می‌پردازند که به نظر می‌رسد برای برنامه مناسب و ضروری هستند. برخی از این موضوعات به صورت قطعی جمع‌بندی می‌شوند و باید به آن‌ها پرداخته شود، در حالی که برخی دیگر به عنوان پیشنهاد به تحریریه ارائه می‌شوند تا روی آن‌ها کار کنیم. اولویت و رویکرد ما نسبت به فصل قبل چندان تغییر نکرده است، زیرا فصل قبل حدود ۱۳ تا ۱۴ قسمت بود و به نظر می‌رسد که آن رویکرد هنوز جای کار دارد. در چهار ساحت فرهنگ، هنر، روایت و اندیشه، ما سعی داریم موضوعات را طراحی و برنامه را پیش ببریم.تلاش‌مان این است روی همین چهار ساحت بایستیم و برنامه را پیش ببریم.

وی در ادامه با اشاره به عوامل مؤثر در سنجش درست موضوعات انتخابی «نقل و نقل» عنوان کرد: در مورد بحث‌های برنامه، ماموریت ما مشخص است. ما سعی می‌کنیم به چهار ساحتی که برای خودمان تعریف کرده‌ایم وفادار باشیم و در اتاق فکر و تحریریه، بررسی می‌کنیم که آیا موضوعات انتخاب شده در این چهار ساحت قابل گنجاندن هستند و به نوعی مرتبط با نیاز مخاطب ما می‌باشند یا خیر.

پس از برنامه، پیامک‌های مردم و ارتباط آن‌ها با سامانه ۱۶۲ و همچنین بازخوردهایی که از طرق مختلف دریافت می‌کنیم، به ما کمک می‌کند تا تشخیص دهیم آیا موضوعات انتخابی مناسب بوده‌اند یا خیر.

عضو سردبیری برنامه نقل و نقل درخصوص تناسب مهمان‌ها با موضوعات هر قسمت اضافه کرد: موضوعات ما به نسبت متنوع هستند و این موضوع از قسمت‌های مختلفی که تا به این‌جا در این فصل پیش رفته‌ایم و همچنین از روند فصل گذشته، مشخص است. ما به یک موضوع خاص و جزئی در کل برنامه نمی‌پردازیم و در قسمت‌های مختلف به موضوعات متنوعی می‌پردازیم. این تنوع باعث می‌شود که مهمانان ما نیز مختلف و متنوع باشند. ما به دنبال تنوع در مهمان‌ها هستیم، اگرچه تکرار برخی مهمان‌ها را آسیب نمی‌دانیم و از آن استقبال می‌کنیم. در واقع گعده زمانی شکل می‌گیرد که مهمان‌ها با فضای برنامه آشنا باشند و قبلاً در این فضا تست شده باشند. قرار نیست اگر مهمانی به صورت تکراری در برنامه حضور دارد همان حرف‌های قبلی تکرار شود. ما به سراغ افرادی می‌رویم که در ابعاد مختلف توانمندی دارند و در واقع ویژگی گعده هم همین است. تاکید می‌کنم که با این رویکرد که دعوت از مهمان‌هایی که قبلاً در برنامه بوده‌اند، نادرست است، مخالفیم. با توجه به اینکه در هر قسمت سه تا چهار مهمان داریم، به جز مهمان‌های تکراری، مهمان‌های جدید و متنوعی نیز در برنامه داریم. این تنوع فقط به شخص مهمان محدود نمی‌شود، بلکه در دسته‌بندی‌ها نیز به سراغ افراد مختلفی از جمله بازیگران، خوانندگان، شاعران، نویسندگان، خبرنگاران، ورزشکاران و کارشناسان مذهبی می‌رویم.

این برنامه‌ساز تلویزیونی با صحبت از نحوه شکل‌گیری گعده‌های برنامه ادامه داد: در واقع، گعده زمانی شکل می‌گیرد که مشارکت مهمان‌ها در برنامه وجود داشته باشد و صمیمیت بین مهمان‌ها و میزبان برقرار باشد. ما سعی می‌کنیم که در طراحی موضوعات و انتخاب محورهای گفت‌وگو با مشورت و همراهی مهمانان پیش برویم. قبل از برنامه، با مهمان‌ها تماس مفصلی گرفته می‌شود و قبل از ضبط، چند ساعتی در محل ضبط با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنیم تا هم ساختار کلی گفت‌وگو و هم صمیمیت بین مهمان‌ها شکل بگیرد. برای همین، گاهی بیش از زمان معمول ضبط، به مهمان‌ها زحمت می‌دهیم و آن‌ها به محل ضبط می‌آیند تا با هم گفت‌وگو کنیم و در کنار هم غذا بخوریم و پذیرایی شوند. این تعاملات کمک می‌کند تا صمیمیت بیشتری بین مهمان‌ها شکل بگیرد.

وی برنامه نقل و نقل را مناسبتی ندانست و مخاطبان این برنامه را از گروه‌های سنی مختلف معرفی و عنوان کرد: باید بگویم که برنامه ما مناسبتی نیست و در واقع کنداکتور ثابتی دارد و هر هفته در روزهای شنبه و یکشنبه پخش می‌شود. به همین دلیل، مخاطبان برنامه ما قشر خاصی نیستند. تنوع موضوعات ما باعث می‌شود که تنوع در مخاطب‌ها نیز شکل بگیرد. ما به موضوعات مذهبی، ادبی، هنری و مسائل روز پرداخته و به اتفاقات منطقه نیز توجه می‌کنیم. این تنوع به ما این امکان را می‌دهد که مخاطب خاصی نداشته باشیم و موضوعات ما به گونه‌ای طراحی شده‌اند که شامل طیف وسیعی از افراد می‌شوند. از نظر سنی نیز مخاطبان ما بزرگسالانی هستند که در طیف سنی مختلفی قرار دارند و مسائل مطرح شده در برنامه برای آن‌ها جذاب و مناسب است.

کاردان امین درخصوص رفاقتی که بین مهمان‌ها و حامد عسکری به عنوان میزبان برنامه دارند و امکان تضارب آرا گفت: مهمان‌های ما لزوماً نباید مرتبط با حامد عسگری باشند، اما اگر دو مهمان داشته باشیم که هر دو شرایط لازم برای حضور در برنامه را داشته باشند، یعنی به موضوع تسلط دارند و فرد مورد نظر اتاق فکر برنامه هستند، در این صورت، مهمانی که با حامد عسگری ارتباط و دوستی دارد، ممکن است اولویت ما باشد. این به دلیل فضای دوستانه‌ای است که در برنامه حاکم است. این موضوع باعث نمی‌شود که تضارب آرا و نظرات را از دست بدهیم، زیرا همه مهمان‌ها صرفاً دوستان آقای عسگری نیستند. هر فردی در دایره دوستانش افراد متنوعی دارد که نظرات مختلفی ارائه می‌دهند و در کل، این روزها ما در خانواده‌ها تضارب آرا داریم چه رسد به دایره دوستان. حامد عسگری نیز شخصیتی است که با طیف‌های مختلف در ارتباط است و با توجه به مراوداتی که در حوزه‌های فرهنگ، هنر، اندیشه و روایت و رسانه دارد با افراد، نظرات و طیف‌های مختلف در ارتباط است و اتفاقا این تنوع در نظرات به شکل‌گیری تضارب آرا کمک می‌کند

عضو سردبیری برنامه نقل و نقل درخصوص تعریفی که از گعده در این برنامه دارد، توضیح داد: به نظر ما، گعده یک فناوری، یک دستاورد و یک نوآوری و یک اتفاق ویژه بین گروه‌های مختلف است که قابلیت رسانه‌ای شدن دارد. اگر ما به فناوری رسانه‌ای کردن گعده برسیم، می‌توانیم اتفاق مهمی را رقم بزنیم. در واقع، گعده پر از جذابیت است و در فضائی بکر و کمتر پرداخته شده، برخلاف گفت‌وگوهای مرسوم که سؤال پرسیده می‌شود و مهمان پاسخ می‌دهد، گعده با مشارکت مهمان‌ها پیش می‌رود. این فضا صمیمیت بیشتری دارد و با جذابیت‌هایی که دارد، می‌تواند همراهی بیشتری از مخاطب جلب کند. به عنوان مثال، می‌توانیم یک بحث مهم مذهبی یا ادبی را در فضائی گفت‌وگومحور طراحی کنیم که در آن کارشناس سؤال بپرسد و مهمان پاسخ دهد. این بحث می‌تواند در فضائی دوستانه و با شوخی‌های جذاب پیش برود و مخاطب را به خود جذب کند و حرف‌ها و نکاتی که مدنظر برنامه‌ساز است از طریق این گعده می‌تواند به مخاطبان انتقال پیدا کند و این از جذابیت‌های گعده است.

کاردان امین در پایان نسبت به بسترهای تعامل با مخاطبان و و جذب آنها تکمیل کرد: ما برنامه را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی فعال کرده‌ایم و تاکنون بازخوردها و تعداد بازدیدها خوب بوده است. ما سعی می‌کنیم قسمت‌های جذاب برنامه که مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرد و نکات مهمی در آن مطرح می‌شود را در فضای مجازی منتشر کنیم. تلاش می‌کنیم که از ظرفیت‌های گعده به بهترین نحو استفاده کنیم. احساس می‌کنم اگر موفق شویم و بتوانیم این فضا را شکل دهیم، افراد خوش‌صحبت و خوش‌خلق را به برنامه دعوت کنیم و موضوعات جذابی انتخاب کنیم، این گعده می‌تواند ظرفیت خوبی برای جذب مخاطب داشته باشد و با تداوم، جذاب‌تر شود و بین مخاطبان به جایگاه ارزشمندی برسد. ما باید دقت کنیم که گعده تبدیل به گفت‌وگویی صرفاً پرسش و پاسخ نشود و در کنار آن، بخش‌های جذابی که در یک مهمانی یا جمع دوستانه اتفاق می‌افتد را نیز به برنامه اضافه کنیم. این جزئیات و جذابیت‌ها می‌تواند به حفظ جذابیت برنامه در بلندمدت کمک کند.

«نقل و نقل» کاری از گروه معارف شبکه دو سیما است که هر شنبه و یکشنبه با موضوعات متنوع حوالی ساعت ۲۲ مهمان خانه‌ها می‌شود.